

به او حمله می‌کرد و فراری اش می‌داد. من بعد از دویست سال ساخته شدم. من یک کشتی هفت طبقه بودم. هر طبقه ام نه قسمت داشت. یک طبقه برای انسان ها بود. به دستور خدا قرار شد غیر از انسان ها، از هر حیوان، یک جفت سوار من شود. اولین حیوان مورچه بود که آمد و آخرین حیوان، الاغ. نوح علیه السلام حتی تخم گیاهان و نهال درختان را هم به کشتی آورد. مردم باز هم ما را مسخره می‌کردند. ناگهان زمین و آسمان توفانی شد. آب زیادی از توی تنورخانه‌ی حضرت نوح بیرون زد. سرتاسر آسمان پر از ابرهای سیاه شد. آن ابرها به جای باران، روی زمین سیل می‌باریدند. به‌زودی همه جای کره‌ی زمین پُر از آب شد. من روی آب راه افتادم. هشتاد نفر از آدم‌های خداپرست با ما همراه بودند. نوح علیه السلام یک پسر داشت به اسم کنعان. او پسرش کنعان را صدا زد تا سوار کشتی شود؛ اما کنعان که کافر بود قبول نکرد. بالاخره کنعان هم همراه بقیه‌ی کافر ها در آب غرق شد.

ما چند روزی روی آب حرکت کردیم تا بالأخره روی یک کوه -که اسمش «جودی»- بود، ایستادیم. آب‌ها پایین رفتند. بعضی از قسمت‌های زمین به خشکی تبدیل شدند. نوح علیه السلام و همراهانش نجات پیدا کردند. پیروزی خداپرستان چقدر شیرین بود.

خداوند در بعضی از آیه‌های سوره‌ی هود، درباره‌ی حضرت نوح علیه‌السلام سخن گفته است. او تنها پیامبری است که ۲۵۰۰ سال عمر کرده است.

I WAS A HUGE ARK

That day, when working on me got finished, Noah hailed happily: "Great ship! If there was not god's help, you would not be made." Noah remembered the past..."

When he became a prophet, He was commanded by God to invite his people to Godly worship. But people did not listen to him. Because they worshiped the idols. They showed Noah to their children, and said: "Do not listen to this deceitful and liar old man."

Noah (PBUH) did not resign from his work. One day the Lord ordered him to build a ship. Noah obeyed. The ship began to build, but when people saw Noah, they mocked him and said: "Look, this crazy old man is building a ship In our dry land!"

Noah said: "There will be a day when we will ridicule you. You will soon suffer of God's punishment. ". But despite all these hardships, Noah continued to work and made me. During the construction of me, many workers helped Noah. At night, some of the enemies attacked me to destroy me.

Noah was upset. God ordered him to guard a dog to take care of me. If someone were approaching me, the brave dog would attack them and they would run away. I was made after 200 years. I had seven-floor. Each one had nine parts. One floor was for humans.

According to God's command, they were supposed to take a pair of each Creature. The first animal that came was ant and the last animal, was donkey. Noah even brought the seeds of plants and tree saplings to the ship. The people still mocked us. Suddenly the earth and the sky became stormy. Abundant water was poured out of Noah house Oven.

The whole sky filled with black clouds. Those clouds flooded on the ground. Soon, Earth was full of water. I floated on the water. Eighty believers were with us.

Noah had a son named Canaan. He asked him to board the ship; But Canaan was infidel and did not accept. Finally, Canaan was drowned with the rest of the infidels among the waters.

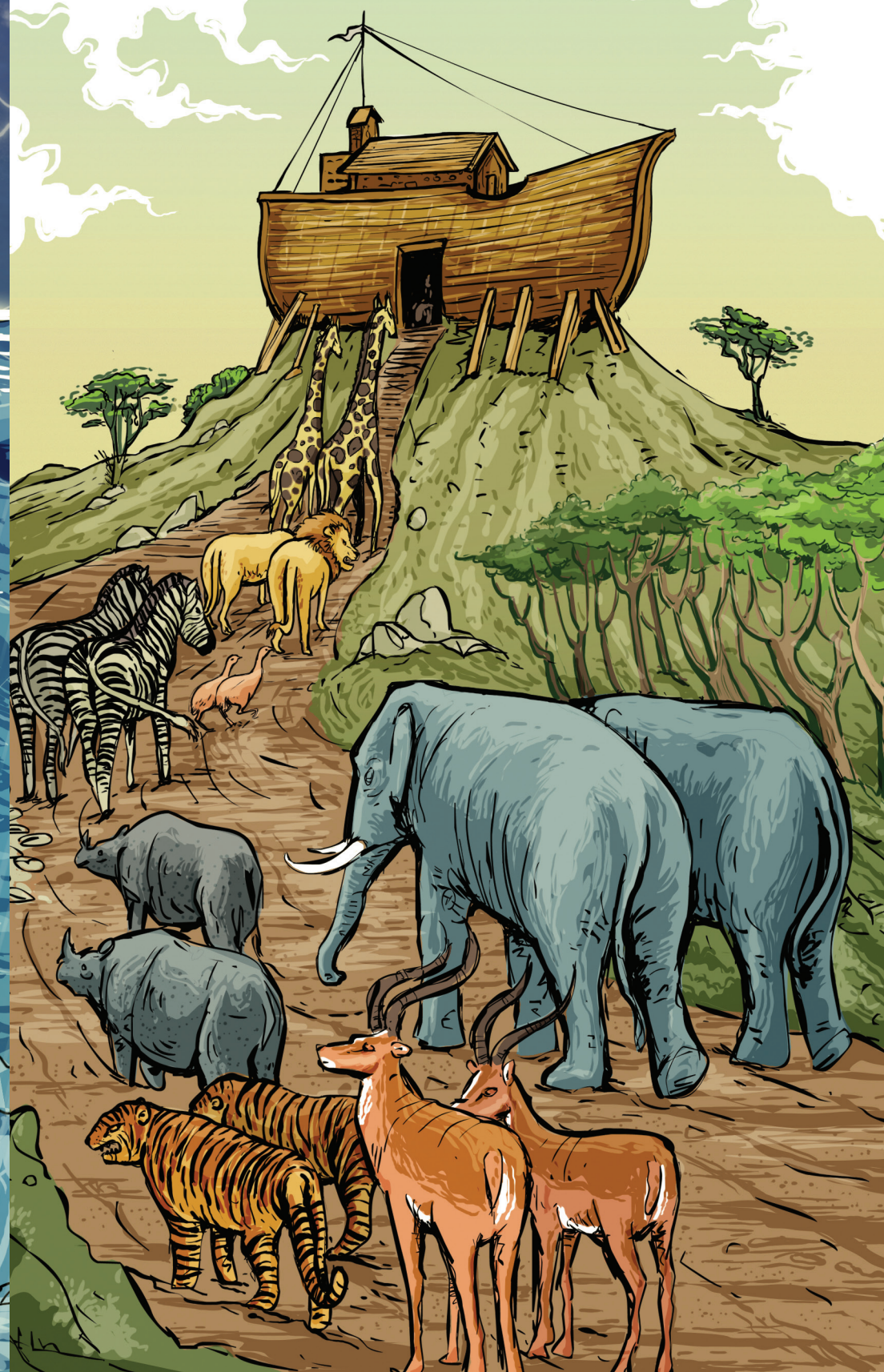
We were floating on the water for a few days until we stopped on a mountain called Judi.

The waters slowly fell on the ground. Some parts of the land became drought. Noah (as) and his companions were saved. It was really sweet, the victory of the Believers in god.

God has spoken about Noah (peace be upon him) in some verses of Surah "Hud". He is the only prophet who has lived 2500 years.

I WAS A HUGE ARK

من یک کشتی بزرگ بودم



آن روز وقتی کارِ ساختن من تمام شد، حضرت نوح با خوش حالی گفت: «ای کشتی بزرگ! اگر کمک خداوند نبود، تو ساخته نمی‌شدی.» حضرت نوح یاد گذشته افتاد...

او وقتی پیامبر شد، از طرف خدا مأمور بود تا قوم خود را به خداپرستی دعوت کند؛ اما مردم به حرفش گوش نمی‌دادند؛ چون آن‌ها بت پرست بودند. آن‌ها حضرت نوح را به بچه‌های خود نشان می‌دادند و می‌گفتند: «به حرف‌های این پیرمرد فریب‌کار و دروغ‌گو گوش ندهید.»

نوح علیه‌السلام از کار خود خسته نشد. یک روز خدای بزرگ به او دستور داد یک کشتی بسازد. حضرت نوح اطاعت کرد. کار ساختن کشتی شروع شد؛ اما وقتی مردم از کنار حضرت نوح رد می‌شدند، او را مسخره می‌کردند و می‌گفتند: «نگاه کنید! این پیرمرد دیوانه دارد در سرزمین خشک ما، کشتی می‌سازد.» حضرت نوح می‌گفت: «یک روز می‌آید که ما شما را مسخره می‌کنیم. شما به‌زودی به عذاب خدا دچار خواهید شد.»

اما با همه‌ی این سختی‌ها حضرت نوح کارش را ادامه می‌داد و من را می‌ساخت. در کارِ ساختن من، کارگرهای زیادی به نوح علیه‌السلام کمک می‌کردند. شب‌ها بعضی از دشمنان به من حمله می‌کردند، تا نابودم کنند. نوح علیه‌السلام ناراحت می‌شد. خدا به او دستور داد شب‌ها یک سنگ را نگهبان من کند. اگر کسی به من نزدیک می‌شد، آن سنگ شجاع



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: مجید ملامحمدی
ویراستار: مهدی صباغی
تصویرساز: محمدصادق کرابی

تهیه، تنظیم و ناشر: مجتمع فرهنگی، آموزشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
نوبت چاپ: اول / بهار ۹۷
قیمت: ۳۰۰۰ تومان
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه
آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی
آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امام‌زاده شاه سیدعلی (ع)، مجتمع فرهنگی آموزشی
معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۶
سایت سازمان: www.oghaf.ir
سایت معاونت: www.mfso.ir
سایت مجتمع: www.mfpo.ir



تصاویر زیر را هنگام بازی پیدا کن و علامت بزن:

بازیکن دو	جایگاه	بازیکن یک	جایگاه
دعوت مردم به ساخت کشتی	●	دعوت مردم به ساخت کشتی	●
آزار و مسخره کردن کافران	●	آزار و مسخره کردن کافران	●
کشتی در حال ساخت	●	کشتی در حال ساخت	●
پایان ساخت کشتی	●	پایان ساخت کشتی	●
سوار کردن حیوانات بر کشتی	●	سوار کردن حیوانات بر کشتی	●
نازل شدن عذاب الهی	●	نازل شدن عذاب الهی	●
غرق شدن پسر کافر نوح(ع)	●	غرق شدن پسر کافر نوح(ع)	●
اتمام طوفان و پیاده شدن حیوانات	●	اتمام طوفان و پیاده شدن حیوانات	●

توضیحات بازی:

با انداختن تاس بازی را از خانه‌ی شماره‌ی یک شروع کنید؛ زمانی که در خانه‌های فلش‌دار قرار می‌گیرید در جهت فلش حرکت کنید. با قرار گرفتن در خانه‌های تصویردار، موضوع آن را در جدول سمت راست علامت بگذارید. بازی را آنقدر ادامه دهید تا یکی از بازی‌کنان بتواند تمام تصاویر را در جدول علامت بگذارد و برنده شود.

Start by dropping the dice from room number one; when you reach to rooms with arrow, follow the direction of the arrow. And when you reach to rooms with pictures, mark subject related to that picture in the table on the right side of the page. Keep playing until one player can mark all the pictures in the table and win.